

عزیز می‌توانند واقعیت و حقیقت آن را بیان کنند؛ چرا که قرآن فرمود: (وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ) ^(۱)؛ «و از شب قدر، چه آگاهی کردی؟».

در وصف آن همین بس که: (... خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ شَهْرٍ) ^(۲)؛ «... از هزار ماه ارجمندتر است».

از جمله مسائلی که بر قدر و منزلت این شب افزوده است:
۱. نزول قرآن

نزول جامع‌ترین، کامل‌ترین و ماندگارترین کتاب الهی بر عظمت و منزلت شب قدر افزوده است، چرا که خود می‌فرماید: (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ...) ^(۳)؛ «ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است...»؛ اما در چه شبی از شب‌های آن ماه، قرآن نازل شده است؟! (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ ...) ^(۴)؛ «[که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم...» و این شب مبارک را در سوره‌ی قدر مشخص فرموده است: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) ^(۵)؛ «ما [قرآن] را [در شب قدر نازل کردیم]». پس باید گفت: نزول قرآن در چنین شبی بر عظمت آن می‌افزاید. این نکته را باید اضافه کرد که این نزول، نزول دفعی بر قلب رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است و نه نزول تدریجی که آغاز آن با بعثت بیست و هفتم رجب همراه است.
۲. تقدیر امور

در نام‌گذاری شب قدر بیان‌های مختلفی وارد شده است. برخی آن را به معنای شبی با عظمت و بزرگی «لَيْلَةُ الْقَدَرِ» ^(۶) گرفته‌اند؛ چرا که قدر در قرآن به معنای منزلت و بزرگی خداوند آمده است.

در آیه‌ای از قرآن کریم می‌خوانیم: (مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ...) ^(۷)؛ «قدر خدا را چنان‌که در خور اوست نشناختند...».

قدر به معنای تقدیر و اندازه‌گیری و تنظیم است. این معنا را هم لغت تأیید می‌کند و هم قرآن و روایات. راغب اصفهانی می‌گوید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ أَي لَيْلَةُ قَيْضِهَا لِأَمُورٍ مَخْصُوصَةٍ؛ شب قدر یعنی شبی که [خداوند] برای [تنظیم و تمییز] امور مخصوصی آن را آماده [و مقرر] نموده است» ^(۸). و قرآن کریم می‌فرماید: در آن شب (... يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) ^(۹)؛ «در آن شب [هر] [گونه‌] کاری [به نحوی] استوار



در محفیز قرآن قدر شب قدر

زهرا عاشوری

نیایش پرداخت. کار خیر کرد و صالحات به جا آورد. به نیازمندان رسید. دانایی طلبید و مذاکره‌ی علم کرد. شبی که در آن، کاری بی‌اجر نخواهد ماند. شبی که باید به یاد روی آن محبوب عزیز، و آن یار پنهان رخسار، عاشقانه نالید، و دیدار روی او را از خدا طلبید. به راستی آن شب، کدام شب است؟

۰۰۰

چنان‌که درک شب قدر، کاری است مشکل، بیان جایگاه و قدر شب قدر نیز دشوار است که تنها راه یافتگان به آن شب

آن شب، که باید شکواییه‌ی هجران را در نوردید، و به امید وصل و دیدار، بیدار نشست؛ و از جام ظهور «سلام» تا «مطلع فجر» سرمست بود؛ کدام شب است؟! همان شبی که حافظ با الهام گرفتن از آیات الهی قرآن، آن را «شب وصل» می‌نامد و نامی هجران را در آن شب، طسبی شده و پایان یافته می‌خواند؛ کدام شب نورانی و دل افروز است؟! شبی که باید در عاشقی ثابت قدم بود و در طلب کوشید، بیدار ماند و دیدار جست. احیا گرفت و به

۷۲۴





می نوشت: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِأَذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» در شب قدر فرشتگان و روح، به اذن پروردگاریسان برای تقدیر هر امری فرود می آید. آن گاه می فرمود: آیا بعد از «کُلُّ أَمْرٍ» «هر امری» که خداوند می فرماید، چیز دیگری باقی خواهد ماند؟ می گفتند: نه، سپس حضرت می فرمود: آیا می دانید آن کسی که هر امری بر او نازل می شود، کیست؟ می گفتند: تو هستی ای رسول خدا! آن گاه می فرمود: بله [ولی] آیا شب قدر بعد از من هم ادامه دارد؟ می گفتند: بله. می فرمود: آیا [در شب های قدر] بعد از من هم آن امر نازل می شود؟ می گفتند: بله، سپس می فرمود: بر چه کسی؟ می گفتند: نمی دانیم. سپس آن حضرت از سر من [علی] می گرفت (و دست را روی سر من قرار می داد) و می فرمود: اگر نمی دانید بدانید، آن شخص پس از من این مرد است.^{۱۳}

و در جای دیگر علی (علیه السلام) فرمود: «به حقیقت شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در آن شب نازل می شود و به راستی برای آن امر صاحبان امری است. عرض شد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «أَنَا وَأَهْلُ عَشْرٍ مِنْ صُلْبِي أُمَّةٌ مُجَدِّتُونَ» من و یازده [امام] از نسل من که همه [امامانی] محدث می باشند که ملائکه را نمی بینند ولی صدای آن ها را می شنوند.^{۱۴}

و در برخی روایات آمده است که ولایت علی (علیه السلام) و ائمه (علیهم السلام) جزء تقدیرات آن شب است.^{۱۵} و دستور داده اند که با مخالفان برای اثبات امامت و بقای آن و زنده بودن مهدی (عج) به شب قدر استدلال کنید.^{۱۶}

در برخی از احادیث آمده است که راوی به امام جعفر صادق (علیه السلام) می گوید: درباره ی شب قدر، به من اطلاعاتی بدهید، آیا این شب، فقط در روزگاران گذشته بوده است، یا این که شب قدر در هر سال هست؟ امام (علیه السلام) می فرماید: «لو رفعت ليلة القدر، لرفع القرآن؛ اگر شب قدر را بردارند، قرآن را نیز بر می دارند.»^{۱۷}

این بیان امام صادق (علیه السلام) به فلسفه ی غایبی نزول انسان به زمین اشاره دارد. جهان ارضی از آن روز منزل گاه انسان

فیصله می باید».

و امام صادق (علیه السلام) فرمود: «التقدیر فی ليلة القدر تسعة عشر والإبرام فی ليلة إحدى وعشرين والإمضاء فی ليلة ثلاث وعشرين؛ تقدیر امور و سرنوشت ها [در شب قدر، یعنی شب نوزدهم، تحکیم آن در شب بیست و یکم، و امضا [ی آن] در شب بیست و سوم [صورت می گیرد].»^{۱۸} و امام رضا (علیه السلام) فرمود: «... يُقَدَّرُ فِيهَا مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مُضَرَّةٍ أَوْ مَنْفَعَةٍ أَوْ رِزْقٍ أَوْ أَجَلٍ وَتَذَلُّكَ سُمِّيَتْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ در آن شب [قدر] آن چه که در سال واقع می شود، تقدیر و اندازه گیری می شود، از نیکی، بدی، زیان، سود، روزی و مرگ، به همین جهت نیز شب قدر [شب اندازه گیری] نامیده شده است.»^{۱۹}

و براساس روایات فراوان^{۲۰} سرنوشت افراد برای سال بعد، مانند رزق و روزی، مرگ و میر، خوشی و ناخوشی، حج رفتن و حوادث دیگر زندگی، براساس استعدادها و لیاقت ها، رقم می خورد و این تقدیر حکیمانه، در نسیان هیچ گونه «اجبار» و «سلب اختیار» به وجود نمی آورد.

۳. سند امامت

شب قدر بزرگ ترین سند امامت و تداوم آن در طول زمان است. در روایات فراوان، وجود شب قدر را در هر زمان دلیل لزوم امامت و بقای آن دانسته اند، لذا سوره ی قدر به منزله ی شناسنامه ی اهل بیت (علیهم السلام) شمرده شده است که به برخی از روایات اشاره می شود:

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «علی (علیه السلام) بسیار می فرمود که: هر گاه دو تن از اصحاب [ابوبکر و عمر] نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، و آن حضرت سوره ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را با خشوع و گریه تلاوت می کرد، می گفتند: چه قدر رقت شما نسبت به این سوره شدید است؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمود: این حساسیت برای چیزی است که چشمانم دیده است، و جانم نوشیده است، و پس از من، جان این مرد [اشاره به علی (علیه السلام)] خواهد نوشید، آن دو می پرسیدند: مگر شما چه دیده ای و او چه خواهد دید؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ آن ها روی خاک

قرار داده شد، تا انسان در این منزل گاه آزمایش شود و کامل و ناقص، سعید و شقی از هم بازساخته گردد؛ و سرانجام انسان به حرکت تکاملی و کمالی بپردازد و به سوی خدا برود. این امر مستلزم حکمت، تقدیر، اجرا و تدبیر است و این همه مربوط به شب قدر و تنظیم امور و حضور ربی و حجت است؛ پس از برقرار شدن همه این ها، کتاب شناخت و عمل لازم است. پس حکمت بقای جهان رضی - در رابطه با کتاب و حجت - حرکت تکاملی نشان است و چون برداشتن سب قدر، به منزله ی بر هم زدن جهان رضی است؛ از این رو اگر شب قدر برداشته شود، قرآن نیز برداشته خواهد شد و تکلیف و فعل و حرکت باقی نخواهد بود. پس تا جهان هست، شب قدر نیز هست و تا شب قدر و حامل علم قرآن هست، امکان حرکت و فعل و تکامل نیز وجود دارد هر حرکت و فعل در صورتی تکامل و کمال است که به پیروی از این دو انجام یابد و در خط تعلیمی و ارشادی این دو (کتاب و حجت) قرار داشته باشد. «... ما إن تمسکتم بهما لن تضلوا».

بنابر این بیان امام نیز اشاره ای به همان حکمت عمیق دارد و راز عظیم



۷۲۴



و در مستدرک الوسائل از قول پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در نحوه ای اقامه و فضیلت دو رکعت نماز نقل شده است: «کسی که در شب قدر دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد، هفت مرتبه سوره ی توحید را بخواند و پس از اتمام نماز، هفتاد مرتبه استغفرالله و اتوب الیه بگوید، از جای خویش بر نمی خیزد؛ مگر این که خداوند، او و پدر و مادرش را می آمرزد و ملائکه ای را می فرستند که حسنات او را تا سال دیگر بنویسند»^(۲۲) پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «حضرت موسی (علیه السلام) در مناجاتش به درگاه خدا چنین عرضه داشت: خدایا می خواهم از من راضی باشی، خطاب شد: رضای من برای کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بخواند»^(۲۳).

گفت پیغمبر که گر کوبی دری
عاقبت زان در برون آید سری

۴. بخشش گناهان

یکی دیگر از ویژگی های شب قدر بخشش گناهان و عفو عاصیان و مجرمان است، باید تلاش نمود تا این فیض عظمای الهی شامل حال انسان بشود؛ و با استفاده از فرصت مناسب در آن شب های با برکت و با عظمت به سوی خدا بازگردد و از گناهان گذشته توبه و استغفار کند و توجه داشته باشد که شاید بهتر بودن «شب قدر» از هزار ماه [که حدوداً ۸۳ سال است] به خاطر ارزش عبادت و احیای آن: به منظور نیایش، دعا و عبادت است.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) درباره ی شب قدر فرمود: «من اغتسل ليلة القدر و أحياها إلى طلوع الفجر خرج من ذنوبه»^(۲۴). پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز فرمود: «مَنْ قام ليلة القدر إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه؛ کسی که شب قدر را با ایمان و اعتقاد و با عمل مقبول به عبادت و دعا احیا بدارد خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد»^(۲۵).

در کتاب شریف بحار الانوار ذیل این روایت آمده است: «مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْقَدْرِ إيماناً واحتساباً غفر الله ما تقدم من ذنبه؛ هر کس در شب قدر، از روی ایمان و محاسبه [و اخلاص] نماز گزارد، خداوند گناهان گذشته ی او را می بخشد»^(۲۶).

وجود و ارتباط و امتزاج هدایت تکوینی و هدایت تشریحی و رابطه ی مستقیم «حجّت صامت» یعنی «قرآن» با «حجّت ناطق» یعنی «امام» است. این تعلیم، در حقیقت توضیح سخن معروف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) - حدیث «تقلین» - است که در پیش ذکر شد. در بسیاری از متون در «حدیث تقلین» این جمله نیز آمده است: «لن يفترقا حتى يردا على الحوض؛ این دو نهاد گران بها (که در میان امت می گذارم و می روم یعنی قرآن و امام) تا روز قیامت که لب حوض کوتر نزد من باز آیند، از یکدیگر جدا نشوند».

از این جا روشن می شود که شب قدر، یعنی شب ولایت و امامت و این همان معنای روایاتی است که شب قدر را به فاطمه (علیها السلام) تفسیر نموده اند. چنان که محمد بن قاسم از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: «إنما أنزلناه في ليلة القدر؛ أليمة فاطمة والقدر لله، فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد أدرك ليلة القدر...»^(۲۸).

تاویل لیه در «إنما أنزلناه في ليلة القدر» فاطمه است و تاویل قدر، الله تبارک و تعالی است. لذا هر کس فاطمه را به حقیقت شناسایی شناخت، شب قدر را درک نموده است...».

- پی نوشت:
۱. القدر (۹۷): ۲.
 ۲. القدر (۹۷): ۳.
 ۳. البقره (۲): ۱۸۵.
 ۴. الدخان (۴۴): ۳.
 ۵. القدر (۹۷): ۱.
 ۶. محمد تقی شریعی، تفسیر نوین، ص ۲۷۵ و طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۱۸.
 ۷. الحج (۲۲): ۷۴.
 ۸. المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۹۵.
 ۹. الدخان (۴۴): ۴.
 ۱۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۵۹ و تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۲۷ و البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۸۷.
 ۱۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۱۶.
 ۱۲. رک: تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۳۱ و البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۸۶ و بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۶۱ - ۱۸.
 ۱۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۳ و ۳۶۴.
 ۱۴. شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۲۵۶ و بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۶.
 ۱۵. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۸.
 ۱۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۴ - ۳۵۳، روایت ۶.
 ۱۷. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۲۱.
 ۱۸. تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۱ و بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۶۵، روایت ۵۸.
 ۱۹. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۶۲.
 ۲۰. همان، ج ۱۰، ص ۳۵۸.
 ۲۱. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۶، ج ۴۲.
 ۲۲. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۵۵.
 ۲۳. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۶۶، ج ۴۲.